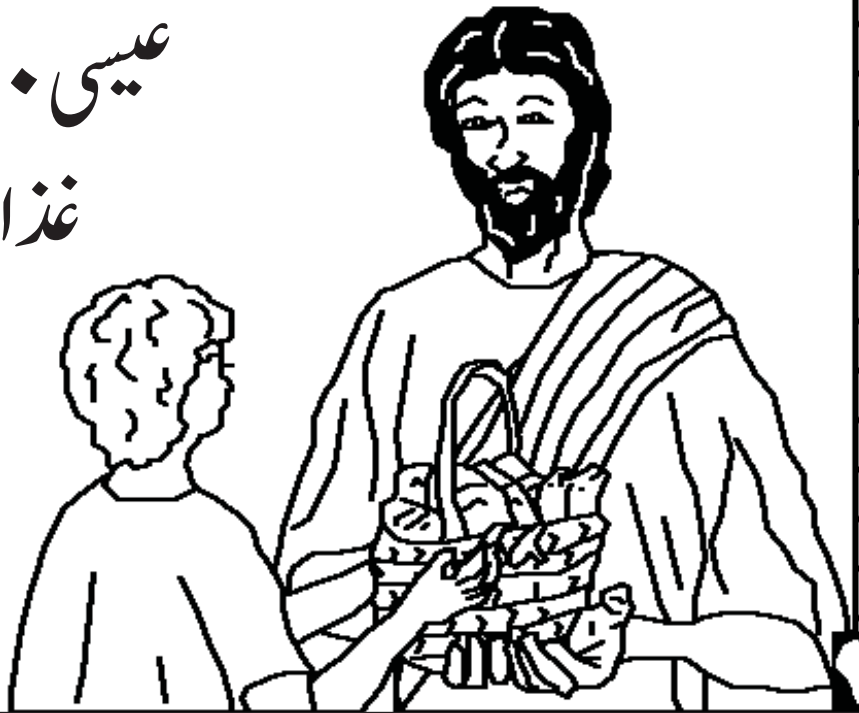


کتاب مقدس برای کودکان تقدیم می کند

عیسی ۵۰۰۰ نفر را غذای دهد



مترجم: Shahrzad
بازگویی از: Ruth Klassen

نویسنده: Edward Hughes
طراحی تصاویر: Janie Forest

داستان 51 از 60

www.M1914.org

Bible for Children, PO Box 3, Winnipeg, MB R3C 2G1 Canada

حق چاپ: شما اجازه دارید که این داستان ها را کپی و چاپ نمایید به شرط آن که رایگان توزیع شود.

فارسی

Persian

یک روز که عیسی از دریای جلیل می گذشت، می خواست که کمی از جمعیتی که اطراف او بودند دور شود، مردم او را پیدا کردند. آنهای دانستند که عیسی معجزات بزرگی می کند. آنهای خواستند که با عیسی باشند.



2

تعدادی از رهبران مذهبی که آنها را فریبی می نامیدند در مورد عیسی دروغ می گفتند. حتی بعضی از آنها می خواستند که عیسی را بکشند. آنها عقیده نداشتند که او پسر خداست. آنها نمی پذیرفتند که او پسر خداست حتی با دیدن معجزاتی که انجام می داد.



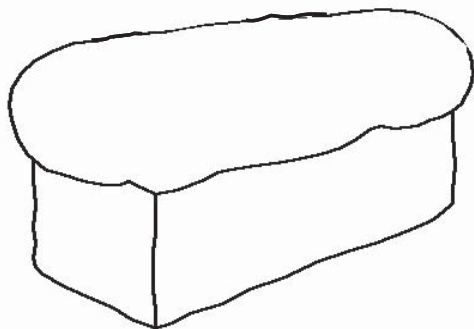
1

عیسی، شاگردانش را به کوهی برد تا به آنها کلام خدا را تعلیم دهد.
مردم یکی پس از دیگری می آمدند. خیلی زود هوا تاریک می شد.
و جمعیت گرسنه بودند.



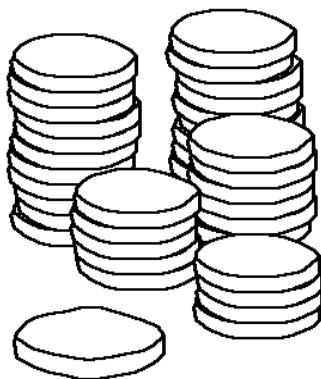
3

عیسی به جمعیت نگاه کرد و از فیلیپ، یکی از شاگردانش، پرسید: "از کجای می توانیم برای
این جمعیت خوراک تهیه کنیم تا بخورند؟" در نزدیکی آنجا هیچ جایی نبود که بتوان غذا
تهیه کرد. عیسی چه نقشه ای داشت؟



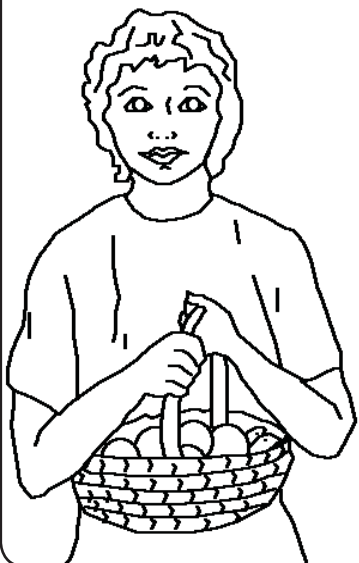
4

فیلیپ در جواب به عیسی گفت: "می دانی چه مقدار پول نیاز داریم تا بتوانیم به این مردم
غذا دهیم؟ عیسی و شاگردانش این پول را ندارند."



5

یکی دیگر از شاگردان عیسی، آندریاس،
برادر شمعون پطرس گفت: "پسر
پدری ای اینجا است که پنجاه نان جو دارد
ماهی دارد."



6

"... ولی این به چه درد جمعیت می خورد؟" آندریاس نمی فهمید که غذای این پسر چه
چگونه می تواند این جمعیت را سیر کند. حتی اگر پسر چه مایل باشد که غذایش را به عیسی
بدهد.



7

عیسی گفت: "مردم روی زمین بنشینند." پس مردان روی زمین نشستند، تعداد
آنها پنجاه هزار نفر بود. عجب! پنجاه هزار نفر! این پنجاه هزار نفر حتی شامل زنان و کودکان
نبود که آنجا بودند.



8

سپس، عیسی دعا کرد. او خداوند را
شکر کرد. برای پنج نان و دو ماهی؟
بله، عیسی خدا را شکر کرد و از خداوند
خواست که این غذا را برکت دهد.



10

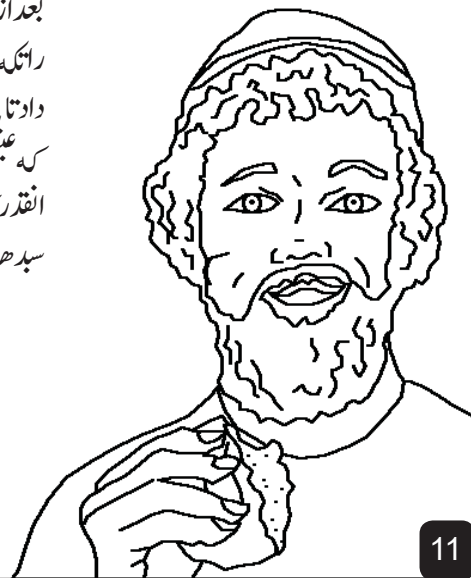
بعد، عیسی، نگاهی به ناخاود و ماهی کرد. پسری به
عیسی اعتماد داشت. او نمی دانست که چرا عیسی ناخار
اورای خواهد، و اینکه عیسی با ناخار او چه می خواهد
بکند. شاید او فکر کرده بود: "اگر غذا را به عیسی
بدهم، خودم چیزی ندارم که بخورم." اما او غذایش
را به عیسی داد.



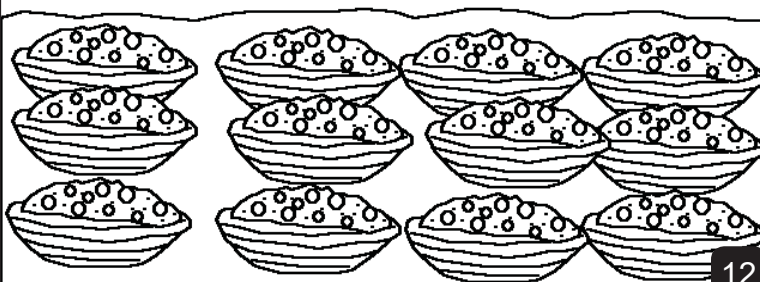
9

بعد از اینکه همه مردم خوردند هنوز سبدها پر از ماهی و نان بود. عیسی به شاگردانش
گفت: "تکه های باقیمانده را جمع کنید تا چیزی تلف نشود." از همان پس مانده ها
دوازده سبد پر شد.

بعد از اینکه دعا کرد، عیسی ناخاود و ماهیها
را تکه تکه کرد و ناخار را به شاگردانش
داد تا به مردم بدهند. مردم معجزه ای
که عیسی انجام داد را دیدند. مردم
انقدر سه می خواستند خوردند. هنوز
سبدها از نان و ماهی پر بود.



11



12

عیسی ۵۰۰۰ نفر را غذای دهد
داستانی از کلام خدا، یعنی کتاب مقدس

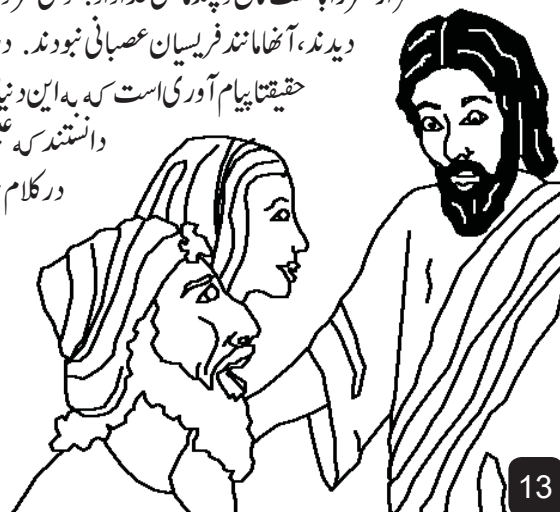
بر اساس

یوحنا فصل ششم

"کشف کلام تو نور می بخشد."

مزمور ۱۱۹: ۱۳۰

ان روز عیسی مسیح پنج هزار نفر را با ناخار یک پسر کوچک غذا داد. و یک بار دیگر او چهار
هزار نفر را با هفت نان و چند ماهی غذا داد. وقتی مردم عادی این نشانه ها را
دیدند، آنها مانند فریسان عصبانی نبودند. در عوض آنها گفتند: او
حقیقتاً پیام آوری است که به این دنیا آمده است. آنها می
دانستند که عیسی منجی قول داده شده
در کلام مقدس خداوند است.



13

خدای داند که ما کارهای بدی انجام داده ایم
کارهایی که او آخرا گناه می خواند. مجازات گناه مرگ است.

خدا جهانیان را آن قدر محبت نمود که پسریگان خود را فرستاد تا با
مرگش بر روی صلیب مجازات گناه ما را بپزدازد. عیسی پس از مرگ دوباره
زنده شد و به آسمان بالا رفت. به این وسیله خدا اکنون می تواند گناهان ما را ببخشد.

اگر می خواهی از گناهان خود توبه کنی، این دعا را نزد خدا بگو: خداوند من ایمان دارم
که عیسی برای گناهان من مرد و اکنون دوباره زنده است. خواهش می کنم وارد زندگی
من بشو و گناهان مرا ببخشد تا بتوانم زندگی تازه ای داشته باشم و برای همیشه
باتو باشم. کمک کن تا به عنوان فرزند تو برای تو زندگی کنم. آمین.

کتاب مقدس راه روز بخوان و همیشه دعا کن!